



The Effectiveness of Scenario-Based Assessment in Enhancing Persian Writing Proficiency Among Non-Persian Learners

Mohammad Naghizadeh¹

Department of Linguistics, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract

This study investigated the effectiveness of scenario-based assessment (SBA) compared to traditional methods in teaching and assessing the writing skills of Persian learners of non-Persian background. The research examined its impact on overall writing performance and three subskills—language quality, cohesion, and task relevance. Furthermore, the learners' perceptions toward the effectiveness of this type of assessment were also evaluated. A mixed-method experimental design was employed with 60 Iraqi adult Persian learners at the upper-intermediate level, randomly assigned to experimental and control groups. Data were collected through writing tasks scored according to the official criteria of Ferdowsi University of Mashhad and semi-structured interviews. Quantitative analysis using ANCOVA revealed that the experimental group significantly outperformed the control group in the post-test across all dimensions of writing. Qualitative findings further indicated that learners perceived SBA as more effective and engaging than traditional methods, reporting increased motivation, enhanced learning processes, improved critical thinking, and stronger connections to real-life contexts. These results suggest that SBA serves as a more valid and effective alternative to traditional writing instruction and assessment in Persian as a foreign language.

Keywords: Scenario-based assessment (SBA), Writing skill, Language quality, Coherence, Relevance to the topic

تأثیر ارزشیابی مبتنی بر سناریو در تقویت مهارت نوشتاری فارسی آموزان غیرایرانی

محمد نقی زاده^۱

گروه زبان شناسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی ارزشیابی مبتنی بر سناریو در مقایسه با روش‌های سنتی در آموزش و سنجش مهارت نوشتار فارسی آموزان غیرفارسی‌زبان انجام شد؛ در این باره تأثیر این رویکرد بر عملکرد کلی نوشتاری و سه زیرمهارت کیفیت زبان، انسجام و ارتباط با موضوع مورد بررسی قرار گرفت. همچنین نگرش زبان‌آموزان نسبت به اثربخشی این نوع ارزشیابی سنجیده شد. روش پژوهش ترکیبی و با طرح تجربی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. شصت فارسی‌آموز عراقی بزرگسال در سطح متوسط به‌بالا به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها تکالیف نوشتاری مبتنی بر معیارهای آزمون جامع زبان فارسی دانشگاه فردوسی مشهد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. تحلیل کمی داده‌ها با استفاده از آزمون کوواریانس نشان داد که گروه آزمایش در پس‌آزمون به‌طور معناداری عملکرد بهتری نسبت به گروه کنترل داشت و این برتری در تمامی ابعاد نوشتاری مشاهده شد. یافته‌های کیفی نیز آشکار ساخت که بیشتر زبان‌آموزان، رویکرد سناریومحور را اثربخش‌تر و جذاب‌تر از روش سنتی ارزیابی کرده‌اند و آن را موجب افزایش انگیزه، بهبود فرایند یادگیری، پرورش تفکر انتقادی و نزدیکی بیشتر تکالیف نوشتاری به موقعیت‌های واقعی زندگی دانسته‌اند. براساس این نتایج می‌توان نتیجه گرفت ارزشیابی مبتنی بر سناریو جایگزینی معتبرتر و کارآمدتر برای روش‌های رایج آموزش و سنجش نوشتار در حوزه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان است.

واژه‌های کلیدی: ارزشیابی مبتنی بر سناریو، مهارت نوشتاری، کیفیت زبان، انسجام، ارتباط با موضوع

مقدمه

نوشتن، مهارتی بنیادین در زندگی تحصیلی و حرفه‌ای به شمار می‌رود و به‌عنوان شاخصی اساسی برای توانایی‌های ارتباطی و شناختی فرد عمل می‌کند (یی^۱، ۲۰۰۹). اهمیت این مهارت، به‌ویژه در زمینه یادگیری زبان دوم برجسته‌تر می‌شود؛ زیرا نشان‌دهنده میزان تسلط زبان‌آموز بر شایستگی‌های زبانی، راهبردی و گفتمانی است (جو^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). در حوزه ارزیابی زبان، اجماعی رو به گسترش وجود دارد مبنی بر اینکه ارزیابی مؤثر مهارت نوشتاری باید از روش‌های سنتی و غیرمبتنی بر بافت فراتر رود و به‌سوی روش‌های تکلیف‌محور حرکت کند که سناریوهای نوشتاری دنیای واقعی را به شکلی معتبرتر شبیه‌سازی می‌کنند (دین^۳ و همکاران، ۲۰۲۱؛ گوئو^۴ و همکاران، ۲۰۲۰). این تحول ناشی از چنین درکی می‌باشد که نوشتن صرفاً فرایند بازنویسی زبان نیست، بلکه فعالیتی پیچیده و هدف‌محور است که فرایندهایی همچون برنامه‌ریزی، نگارش و بازبینی را دربرمی‌گیرد (گوئو و همکاران، ۲۰۲۰؛ ژو^۵ و همکاران، ۲۰۱۹)؛ ازاین‌رو در سال‌های اخیر توجه فزاینده‌ای به بهره‌گیری از ارزیابی‌های عملکردمحور^۶ و موقعیت‌محور^۷ از جمله «ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو»^۸ (SBA)، معطوف شده است؛ رویکردی که با هدف سنجش توانایی نوشتن به شیوه‌ای جامع‌تر و از نظر بوم‌شناختی معتبرتر طراحی شده است. در این نوع ارزیابی سناریو نقش محوری دارد. سناریو یک موقعیت واقعی یا شبه‌واقعی است که مجموعه‌ای از اطلاعات، اهداف، نقش‌ها و محدودیت‌ها را برای یادگیرنده فراهم می‌کند و او باید در چارچوب آن برای حل مسئله، تولید متن یا اجرای یک عمل زبانی تصمیم‌گیری و عمل کند (دین و همکاران، ۲۰۲۱).

برخلاف آزمون‌های سنتی و مرسوم که عموماً بر سنجش مهارت‌های مجزا متمرکزند، ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو با ارائه موقعیت‌ها و مسائل واقعی و معنادار، زبان‌آموزان را ملزم می‌سازند تا طیفی گسترده از مهارت‌های زبانی، راهبردی و گفتمانی را به‌طور یکپارچه به کار گیرند (بنت^۹، ۲۰۱۰؛ دین، ۲۰۱۳). این رویکرد موقعیتی، زبان‌آموزان را تشویق می‌کند تا در استفاده اصیل‌تر از زبان مشارکت کنند و در مقایسه با روش‌های سنتی، درک جامع‌تر و عملی‌تری از فرایندها و توانایی‌های نوشتاری آنها را ارائه دهد (گو و همکاران، ۲۰۲۰؛ ژانگ^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۹). نکته قابل‌توجه آن است که ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو نه‌تنها به سنجش مهارت نوشتاری می‌پردازند، بلکه زمینه‌ای برای تقویت مهارت‌های تفکر سطح بالاتر همچون ساخت استدلال، ارزیابی شواهد و توجه به مخاطب نیز فراهم می‌سازند؛ مهارت‌هایی که برای دستیابی به سواد پیشرفته ضروری به شمار می‌روند (بنت، ۲۰۱۰؛ دین، ۲۰۱۳؛ ژو

1. Yi, J.

2. Joo, S. H.

3. Deane, P.

4. Guo, H.

5. Zhu, M.

6. performance-based

7. situated assessments

8. scenario-based assessments

9. Bennett, R. E.

10. Zhang, M.

و همکاران، ۲۰۱۹). افزون بر این، ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو با قراردادن فعالیت نوشتن در بسترهای معنادار می‌توانند انگیزه و میزان درگیری زبان‌آموزان را افزایش دهند و بدین ترتیب شکاف میان یادگیری در کلاس درس و کاربرد واقعی زبان را کاهش دهند (چو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱). البته همان‌طور که دین و همکاران (۲۰۲۱) تأکید کرده‌اند، ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو نسبت به تفاوت‌های آموزشی حساس هستند و می‌توان از آنها برای پیگیری روند پیشرفت زبان‌آموزان در طول زمان بهره گرفت؛ این ویژگی سبب می‌شود این نوع ارزیابی‌ها نه تنها به‌عنوان ابزار پایانی، بلکه به‌مثابه ابزارهای تکوینی نیز ارزشمند باشند، بدان جهت که بازخوردی کاربردی هم برای زبان‌آموزان و هم برای مدرسان فراهم می‌سازند (بنت، ۲۰۱۰). با گنجاندن تکالیف نوشتاری در بستر سناریوهای معنادار، ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو این امکان را به مدرسان می‌دهند که سیر تحول مؤلفه‌های بنیادین نوشتار — از جمله سازمان‌دهی، انسجام، پیچیدگی واژگانی و توانایی استدلال — را در روند چرخه‌های آموزشی رصد کنند (گوئو و همکاران، ۲۰۲۰؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۹)؛ بدین ترتیب ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو به فهمی پویاتر از مهارت نوشتاری یاری می‌رسانند، فهمی که نه تنها محصول نهایی نوشتار بلکه فرایندهای رشدی زیربنای عملکرد نوشتاری در زبان دوم را هم دربرمی‌گیرد (ژو و همکاران، ۲۰۱۹).

پژوهش‌های مرتبط با ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو، اثربخشی این رویکرد را در زمینه‌های آموزشی گوناگون نشان داده‌اند. مطالعات بیانگر آن است که ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو در مقایسه با روش‌های سنتی، می‌توانند درک جامع‌تر و کاربردی‌تری از فرایندها و توانایی‌های نوشتاری زبان‌آموزان ارائه دهند (گوئو و همکاران، ۲۰۲۰؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۱۹). برای نمونه این تحقیقات نشان داده‌اند که طرح‌های متفاوت در ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو می‌توانند بر فرایندهای شناختی نویسندگان مانند توازن میان برنامه‌ریزی و ویرایش تأثیرگذار باشند (گوئو و همکاران، ۲۰۲۰). این پژوهش‌ها که عمدتاً در زمینه آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم انجام شده‌اند، ظرفیت بالای ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو را برای ایفای نقش به‌عنوان ابزاری تشخیصی در اختیار مدرسان برجسته می‌سازند، اما با وجود دستاوردهای مفید، استفاده و بررسی این ارزیابی‌ها هنوز محدود به تعداد اندکی از زبان‌ها است؛ به‌ویژه زبان‌هایی که از نظر گونه‌شناختی با انگلیسی تفاوت دارند. چنان‌که جو و همکاران (۲۰۲۳) تأکید کرده‌اند، ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو «به‌ندرت در زمینه زبان‌های غیرانگلیسی به کار گرفته یا مطالعه شده‌اند»؛ موضوعی که نشان‌دهنده شکاف مهمی در ادبیات ارزیابی برای زبان‌هایی همچون فارسی است. این محدودیت پژوهشی با توجه به ویژگی‌های زبانی منحصر به فرد فارسی — که می‌تواند بر فرایند نگارش تأثیر بگذارد و رویکردهای ارزیابی ویژه‌ای را ضروری سازد — اهمیت دوچندانی می‌یابد. براین اساس هدف مطالعه حاضر بررسی اثربخشی ارزیابی مبتنی بر سناریو در ارتقای مهارت نوشتاری فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان است. این پژوهش می‌کوشد با تحلیل نحوه تأثیر ارزیابی مبتنی بر سناریو بر فرایند نگارش و در نهایت بر بهبود دستاوردهای نوشتاری فارسی‌آموزان به پرکردن شکاف

موجود در حوزه ارزیابی مهارت‌های نوشتاری یاری رسانند. مطالعه حاضر درباره دو پرسش تحقیقاتی اصلی ساختاریافته است که هر کدام یک فرضیه صفر مرتبط دارند.

۱. چگونه اجرای ارزشیابی مبتنی بر سناریو بر مهارت نوشتاری فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان تأثیر می‌گذارد؟
۲. چگونه رویکرد ارزشیابی مبتنی بر سناریو بر زیرمهارت‌های نوشتاری (کیفیت زبان، انسجام و ارتباط با موضوع) فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان تأثیر می‌گذارد؟
۳. چگونه فارسی‌آموزان اثربخشی و جذابیت ارزشیابی مبتنی بر سناریو را در مقایسه با تدریس سنتی مهارت نوشتن ارزیابی می‌کنند؟

برای پرسش تحقیق اول، فرضیه صفر زیر ارائه می‌شود:

فرضیه صفر ۱. اجرای ارزشیابی مبتنی بر سناریو هیچ تأثیر معناداری بر مهارت کلی نوشتاری فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان ندارد که با استفاده از یک چارچوب ارزشیابی کلی سنجیده می‌شود.

برای پرسش تحقیق دوم، فرضیه صفر زیر ارائه می‌شود:

فرضیه صفر ۲. بین عملکرد نوشتاری فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان در زیرمهارت‌های کیفیت زبان، انسجام و ارتباط با موضوع در شرایط ارزشیابی مبتنی بر سناریو و شرایط سنتی، تفاوت معناداری وجود ندارد.

برای سؤال سوم فرضیه‌ای ارائه نمی‌شود؛ بدان علت که پرسش سوم به روش کیفی بررسی می‌شود و ماهیت آن اکتشافی می‌باشد. در پژوهش‌های کیفی به‌جای آزمون فرضیه، هدف کشف نگرش‌ها، تجربیات و برداشت‌های شرکت‌کنندگان است (کرسول، ۲۰۱۴).

پیشینه نظری

امروزه نوشتن دیگر صرفاً به‌عنوان یک محصول نهایی شناخته نمی‌شود، بلکه فرایندی پیچیده و بازگشتی در نظر گرفته می‌شود که دربرگیرنده مهارت‌های شناختی و زبانی است (گوئو و همکاران، ۲۰۲۰). رویکرد سنتی مبتنی بر محصول در ارزیابی نوشتار می‌باشد که اغلب به دستورالعمل‌های غیرمتنی متکی است و تنها متن نهایی را می‌سنجد، البته به دلیل بی‌توجهی به ماهیت پویای فرایند نگارش مورد انتقاد قرار گرفته است (یی، ۲۰۰۹؛ جو و همکاران، ۲۰۲۳). در مقابل، رویکرد فرایندمحور بر اهمیت رفتارهای راهبردی نویسنده همچون برنامه‌ریزی، پیش‌نویس‌نویسی و بازنگری تأکید دارد؛ عناصری که برای تولید متنی منسجم و اثربخش ضروری‌اند (ژو و همکاران، ۲۰۱۹). این تغییر دیدگاه، زمینه‌ساز گسترش ارزیابی‌های موقعیت‌محور و عملکردمحور شده است که هدف آنها سنجش توانایی نوشتاری در بافت‌هایی معتبر و واقعی‌تر است. ارزیابی مبتنی بر سناریو نمونه برجسته‌ای از این تحول به شمار می‌رود. این رویکرد نوآورانه با بهره‌گیری از موقعیت‌ها و سناریوهای معتبر، مجموعه‌ای از وظایف را در مورد شایستگی‌های دنیای واقعی سازمان‌دهی می‌کند (بائرجی، ۲۰۱۹؛ کلارک، ۳).

1. Creswell, J. W.

2. Banerjee, H. L.

3. Clark, R.

۲۰۰۹). ارزیابی مبتنی بر سناریو که ریشه در نظریه‌های «شناخت موقعیتی^۱» و «ارزیابی اصیل^۲» دارد با هدف شبیه‌سازی تکالیف اصیل کلاسی طراحی می‌شود و وظیفه نوشتاری را در بستر یک موقعیت واقع‌گرایانه و هدفمند جای می‌دهد (دین و همکاران، ۲۰۲۱). این طراحی زمینه‌ای معنادار برای خواندن، نوشتن و تفکر انتقادی فراهم می‌سازد و انگیزه و مشارکت زبان‌آموزان را افزایش می‌دهد؛ افزون بر آن، مجموعه‌ای از پرسش‌های راهنمای ساختاریافته ارائه می‌شود که ضمن هدایت تعامل زبان‌آموز با متون منبع، فرایندهای درگیر در یک پروژه نوشتاری پیچیده را نیز مدل‌سازی می‌کند (ساباتینی^۳ و همکاران، ۲۰۱۴؛ شیهان^۴ و همکاران، ۲۰۱۴).

شیوه‌های ارزیابی مبتنی بر کلاس درس^۵ نشان داده‌اند که می‌توانند بر ویژگی‌های کلیدی یادگیرندگان از جمله خودتنظیمی^۶ تأثیر بگذارند؛ به‌عنوان یکی از اشکال این رویکرد، ارزیابی مبتنی بر سناریو نه تنها برای سنجش، بلکه برای ارتقای توانایی استدلال^۷ نوشتاری نیز به کار گرفته می‌شود و کمبودهای ارزیابی‌های سنتی را جبران می‌کند. در این الگو، زبان‌آموزان با هدفی خواندنی مرتبط با مجموعه‌ای از متون یکپارچه روبه‌رو می‌شوند (وانگ^۸ و همکاران، ۲۰۱۷). طراحی منابع و فعالیت‌ها به گونه‌ای است که زبان‌آموزان را در مسیر درک موضوع و حرکت به سوی تکالیف استدلالی پیچیده‌تر یاری می‌دهد. فرایند نوشتن، بازنگری و ارزیابی در چارچوب این رویکرد به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا بر اهداف آموزشی خود متمرکز بمانند؛ زیرا این مدل یادگیری را به‌منزله فرایندی سیال و بازسازمان‌دهنده شناخت در تعامل با حمایت‌های آموزشی مفهوم‌سازی می‌کند (ارل و کاتز^۹، ۲۰۰۶؛ کول^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۸). در مورد آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی، خودتنظیمی نقش مهمی در این ارزیابی‌ها دارد، چون زبان‌آموزان را به بهره‌گیری از دانش زبانی و مهارت‌های تحلیلی خود تشویق می‌کند و استفاده از راهبردهای فراشناختی برای غلبه بر چالش‌های نوشتاری را تسهیل می‌سازد؛ افزون بر آن، این الگو به زبان‌آموزان امکان می‌دهد با به‌کارگیری راهبردهای شناختی، دانش زبانی خود را به‌صورت مؤثر بیان کنند. چنین طراحی‌ای با نظریه حوزه شناختی در استدلال همسو است (بنت و همکاران، ۲۰۱۶). این نظریه، استدلال را به‌عنوان یک «کنش کلیدی» تعریف می‌کند که مجموعه‌ای یکپارچه از مهارت‌های ضروری برای ارتباط معنادار در جامعه‌ای باسواد را دربرمی‌گیرد. این فرایند پنج گام بازگشتی دارد: درک مسئله، کاوش موضوع، بررسی مواضع، تولید و ارزیابی استدلال‌ها و درنهایت سازمان‌دهی و ارائه آنها؛ این گام‌ها به‌منزله الگویی راهبردی برای زبان‌آموزان و طراحان ارزیابی عمل کرده، به تعیین تمرکز و توالی وظایف در یک ارزیابی مبتنی بر

1. situated cognition

2. authentic assessment

3. Sabatini, J.

4. Sheehan, K. M.

5. Classroom-based assessment (CBA)

6. self-regulation

7. argumentation

8. Wang, Z.

9. Earl, L. & Katz, S.

10. Coll, C.

سناریو کمک می‌کند. شایستگی کلی از ترکیب نمرات پرسش‌های فرعی که مهارت‌های جزئی را می‌سنجند با نمره نهایی مقاله که بیانگر ادغام این مهارت‌هاست، برآورد می‌شود. چنین رویکردی معیار دقیق‌تری از توانایی نوشتاری ارائه می‌دهد و نسبت به اتکای صرف به یک متن نهایی معتبرتر است؛ روشی که در سایر ارزیابی‌های گسترده نیز به کار رفته است (ژانگ و دین، ۲۰۱۹). با وجود این مزایا، برخی نگرانی‌ها درباره ساختار ارزیابی مبتنی بر سناریو مطرح است. یکی از این نگرانی‌ها احتمال افزایش غیرواقعی نمرات است؛ زیرا تکالیف مقدماتی ساختارمند ممکن است به زبان‌آموزان کمک کند در مقایسه با شرایط بدون حمایت، عملکرد بهتری داشته باشند. نگرانی دیگر مربوط به اثرهای سناریو است؛ به این معنا که یک موضوع خاص ممکن است زبان‌آموزانی را که آشنایی یا علاقه کمتری به آن دارند، در موقعیتی ناعادلانه قرار دهد، اما شواهد تجربی اخیر این نگرانی‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ برای مثال ژانگ و دین (۲۰۱۹) نشان دادند که طراحی مبتنی بر داربست به‌طور مصنوعی موجب افزایش نمره کل آزمون نمی‌شود و استفاده از یک سناریوی یکپارچه نیز اثر منفی بر ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون ندارد.

مطالعات پیشین

پژوهش‌های گوناگون اثربخشی و ظرفیت تشخیصی ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو را نشان داده‌اند؛ هرچند عمده این مطالعات در حوزه آموزش زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم انجام گرفته است. یکی از طرح‌های پژوهشی برجسته در این زمینه، پروژه «ارزیابی شناخت‌محور یادگیری به‌منزله یاددهی و یادگیری» است (بنت، ۲۰۱۱). چارچوب این پروژه، شایستگی‌های واقعی و معنادار را به‌عنوان «کنش‌های کلیدی» تعریف کرده، وظایف را در قالب یک سناریو به‌گونه‌ای توالی‌بندی می‌کند؛ این توالی از تکالیف مقدماتی آغاز و به تولید نهایی ختم می‌شود (دین، ۲۰۱۱). در زمینه اعتبار و پایایی این نوع ارزیابی‌ها نیز پژوهش‌هایی انجام شده است. بنت و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند که گنجانند تکالیف مقدماتی در طراحی آزمون موجب کاهش اثر «موضوع» بر عملکرد زبان‌آموزان می‌شود؛ زیرا این تکالیف با فراهم کردن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای، توانایی نوشتاری واقعی را بهتر آشکار می‌کنند. با این حال، بررسی انتقادی این یافته‌ها نشان می‌دهد که در چنین شرایطی ماهیت سازه مورد سنجش نیز تغییر می‌کند؛ به‌گونه‌ای که آزمون پیش از آنکه صرفاً نوشتار مستقل و بدون داربست را بسنجد، به مهارت «خواندن برای نوشتن» و استفاده از ورودی‌های متنی وابسته می‌شود. در ادامه بانرجی (۲۰۱۹) در پژوهشی بر روی زبان‌آموزان بزرگسال انگلیسی نشان داد که هرچند آنان از راه سناریوهای آزمون دانش موضوعی جدیدی به دست می‌آورند، میزان این یادگیری وابسته به سطح زبانی آنان است. این یافته نشان می‌دهد که اثربخشی ارزیابی مبتنی بر سناریو برای همه سطوح زبانی یکسان نیست و حتی می‌تواند شکاف میان سطوح زبانی را تقویت کند. افزون بر سنجش محصول نهایی، برخی پژوهش‌ها از فناوری برای تحلیل فرایند نوشتن در جریان آزمون استفاده کرده‌اند. ثبت دیجیتال ضربه‌های کلید

امکان بررسی رفتارهای لحظه‌ای نویسندگان و طبقه‌بندی آنها به حالت‌هایی همچون برنامه‌ریزی، نگارش و بازبینی را فراهم ساخته است (ژانگ و دین، ۲۰۱۹؛ گوئو و همکاران، ۲۰۲۰). نتایج این مطالعات نشان می‌دهند که ویژگی‌های طراحی در ارزیابی مبتنی بر سناریو می‌تواند به‌طور مستقیم بر فرایندهای شناختی نویسندگان اثر بگذارد؛ برای مثال گوئو و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند که طراحی مبتنی بر یک سناریوی واحد سبب کاهش تعداد اما افزایش طول مدت مراحل بازبینی می‌شود. هرچند این رویکرد نوآورانه است، اما به دلیل اتکای بیش از حد به ثبت کلیدها، تنها بخشی از فرایندهای ذهنی را نشان می‌دهد و تصویر کاملی از فرایند نوشتن ارائه نمی‌دهد.

یکی از مزیت‌های مهم ارزیابی مبتنی بر سناریو، قابلیت آن در ارائه اطلاعات سطح‌وظیفه‌ای است. این ویژگی امکان سنجش اثربخشی آموزش را فراهم می‌سازد؛ برای نمونه، اگر مهارتی مانند خلاصه‌نویسی به‌خوبی آموزش داده شود، نمره‌های تکالیف مقدماتی باید این پیشرفت را نمایان سازند. این داده‌های سطح‌وظیفه‌ای به همراه تحلیل‌های خودکار نوشتار و ثبت کلیدها، بازخوردی تکوینی و کاربردی‌تر از یک نمره کلی فراهم می‌آورند (دین و سانگ^۱، ۲۰۱۵؛ ژانگ و دین، ۲۰۱۹). چنین داده‌هایی می‌توانند برای طراحی برنامه درسی و تصمیم‌گیری‌های آموزشی ارزشمند باشند (گوئو و همکاران، ۲۰۲۰). کاربرد رویکرد ارزیابی مبتنی بر سناریو در حوزه‌های آموزشی متنوع نیز مورد توجه قرار گرفته است. بارداج^۲ و همکاران (۲۰۲۱) نشان دادند که تمرین‌های برخط سناریو محور می‌توانند آمادگی شناختی معلمان تازه کار را ارتقا دهند. دین و همکاران (۲۰۲۱) با به‌کارگیری این رویکرد در تکالیف کلاسی نوشتاری، مدلی جامع‌تر برای پایش پیشرفت زبان‌آموزان ارائه دادند؛ همچنین کونان^۳ و همکاران (۲۰۲۲) آزمون‌های دانشگاهی بر پایه سناریو طراحی کردند که از نظر فرهنگی متناسب‌تر و از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه‌تر از آزمون‌های بین‌المللی بوده است. عنانی‌سرب و رحمانی (۲۰۲۳) از سناریو برای اعتباربخشی آزمون سواد ارزشیابی زبان استفاده کردند و سعیدیان و قادری (۲۰۲۳) این رویکرد را در آموزش معلمان به کار گرفتند تا تصمیم‌گیری تعاملی آنان بهبود یابد.

با وجود این دستاوردها، باید تأکید کرد که در حوزه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، مطالعاتی که به‌طور مستقیم اثر ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو را بر تقویت مهارت‌های چهارگانه زبانی بررسی کرده‌اند بسیار محدود بوده است؛ در این میان، پژوهش‌هایی که در حوزه آموزش زبان فارسی انجام شده‌اند بیشتر به چالش‌های آموزشی مهارت نوشتن و سنجش‌های سنتی پرداخته‌اند. گلپور (۱۳۹۸) بر کاستی‌های روش‌های رایج ارزیابی تأکید کرده است که اغلب توانایی‌های پیچیده نوشتاری را به‌طور کامل بازتاب نمی‌دهند. جلیلی (۱۳۹۶) مقیاسی جامع برای سنجش نوشتار فارسی‌آموزان پیشرفته طراحی کرده است که بیشتر بر دستور زبان، واژگان و املا تمرکز دارد و کمتر به فرایندهای شناختی نوشتن توجه می‌کند. رودمعجنی و همکاران (۱۳۹۹) نیز رویایی یک مقیاس نوشتاری در آزمون بسندگی زبان فارسی دانشگاه فردوسی را بررسی

1. Song, Y.
2. Bardach, L.
3. Kunnan, A. J.

کرده‌اند که اگرچه گامی مهم در نظر گرفته می‌شود، اما همچنان در چارچوبی محصول‌محور باقی مانده است. دیگر مطالعات بیشتر بر رویکردهای آموزشی متمرکز بوده‌اند؛ برای مثال نعمتی (۱۳۹۸) نشان داده است روش «یادگیری معکوس» می‌تواند بر بهبود مهارت‌های خواندن و نوشتن اثرگذار باشد. حسین‌پور بوانلو و قبال (۱۳۹۹) کیفیت متون ادبی در کتاب‌های آموزش فارسی را بررسی کرده‌اند. ابوالحسنی چیمه (۱۳۹۳) نیز ارتباط خطاهای آوایی و املایی را در میان فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان مطالعه کرده است؛ همچنین در حوزه شیوه‌های تدریس معلمان، استاجی و اسلامی (۱۴۰۱) نشان دادند که هرچند مدرسان فارسی تا حدی از راهبردهای ارزشیابی تکوینی استفاده می‌کنند، پژوهش‌ها در این حوزه بسیار محدود است؛ افزون بر این، الداغی (۱۳۹۳) بر ضرورت رویکردهای نظام‌مندتر و علمی‌تر در سنجش و آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان تأکید کرده است.

بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در مورد ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو در بافت‌های انگلیسی‌زبان صورت گرفته‌اند (جو و همکاران، ۲۰۲۳؛ گوئو و همکاران، ۲۰۲۰). چنان‌که جو و همکاران اشاره کرده‌اند، این نوع ارزیابی‌ها «به‌ندرت در زمینه زبان‌های غیر از انگلیسی، به‌ویژه زبان‌هایی که از نظر گونه‌شناختی با انگلیسی فاصله دارند، مانند زبان کره‌ای به کار گرفته یا بررسی شده‌اند» (جو و همکاران، ۲۰۲۳: ۲). این نکته مهمی است که در ادبیات پژوهش اغلب نادیده گرفته می‌شود. ویژگی‌های خاص هر زبان از جمله نظام نوشتاری (مانند خط فارسی مبتنی بر الفبای عربی)، ساخت‌وازی و ساخت نحوی می‌توانند تأثیر چشمگیری بر فرایند نوشتن و در نتیجه بر اثربخشی یک الگوی سنجش خاص داشته باشند. نبود پژوهش در این زمینه برای زبان‌هایی با ساختارهای متفاوت همچون فارسی مسئله‌ساز است. ادبیات موجود در حوزه سنجش زبان فارسی نیز نشان می‌دهد که روش‌های کنونی غالباً قادر به بازنمایی کامل پیچیدگی مهارت نوشتن نیستند (گلپور، ۱۳۹۸). بر این اساس پژوهش حاضر در صدد است با به‌کارگیری اصول شناخته‌شده ارزیابی مبتنی بر سناریو در یک بستر زبانی متفاوت، این خلأ مهم را پوشش دهد و بدین ترتیب چشم‌اندازی نوین و ضروری را به حوزه ارزیابی مهارت نوشتاری زبان فارسی بیفزاید.

روش‌شناسی

طرح پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از طرح تجربی و رویکرد ترکیبی (کمی - کیفی) انجام شد. بخش کمی براساس طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل و آزمایش طراحی شد که در آن شرکت‌کنندگان به‌طور تصادفی در دو گروه قرار گرفتند. بخش کیفی شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با تعدادی از زبان‌آموزان گروه آزمایش بود تا تجربه‌ها و برداشت‌های آنان از ارزیابی سناریو محور و فرایند نوشتن بررسی شود. ترکیب این دو رویکرد امکان سنجش کمی تغییرات مهارت نوشتاری و درک عمیق‌تری از تجربه‌های یادگیرندگان را فراهم ساخت.

شرکت کنندگان

جامعه آماری شامل ۱۲۰ فارسی آموز عراقی بزرگسال (زن و مرد ۱۸ تا ۴۵ ساله) در سطح متوسط به بالا در دانشگاه شهید چمران اهواز بود. از این میان، ۶۰ نفر به طور تصادفی انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه آزمایش (۳۰ نفر) و کنترل (۳۰ نفر) تقسیم شدند. انتخاب سطح متوسط به بالا بدین دلیل صورت گرفت که یادگیرندگان دانش پایه زبانی (واژگان و دستور) را کسب کرده اند و تفاوت های احتمالی بیشتر به فرایندهای سطح بالاتر مانند انسجام، سازمان دهی و استدلال مربوط می شود. برای بخش کیفی پس از پایان دوره، ۱۰ نفر از زبان آموزان گروه آزمایش به صورت داوطلبانه در مصاحبه ها شرکت کردند.

مواد و ابزارها

ابزار اصلی گردآوری داده ها یک تکلیف نوشتاری موضوعی بود. به زبان آموزان موضوعی مشخص داده شد و از آنان درخواست شد متنی در قالب انشا بنویسند. متون نوشته شده براساس معیارهای رسمی بخش نوشتار آزمون جامع زبان فارسی دانشگاه فردوسی مشهد ارزیابی شدند. در این پژوهش، تنها معیارهای نمره دهی آزمون مورد استفاده قرار گرفت که شامل سه مؤلفه اصلی است (هر کدام ۱۰ نمره، مجموع ۳۰):
کیفیت زبان (۱۰ نمره): روانی کاربرد زبان، تنوع ساخت های نحوی، دقت واژگانی و دستوری.
انسجام (۱۰ نمره): سازمان دهی منطقی متن، رعایت توالی مطالب، انسجام درونی و بسط متن با آوردن مثال ها و جزئیات.
ارتباط با موضوع (۱۰ نمره): میزان انطباق محتوای متن با موضوع و هدف تکلیف.

روایی محتوایی ابزار با استناد به معیارهای رسمی آزمون دانشگاه فردوسی مشهد و بازمی بینی دو استاد آموزش زبان فارسی تأیید شد. پایایی نمره دهی از راه پایایی بین ارزیاب (ضریب همبستگی درون طبقه ای) بررسی شد؛ دو ارزیاب مستقل متون را نمره گذاری کردند و در صورت اختلاف با بحث و اجماع به نمره نهایی رسیدند؛ همچنین برای بررسی انسجام درونی معیارها، آلفای کرونباخ محاسبه شد. برای بخش کیفی از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. محورهای مصاحبه شامل تجربه زبان آموزان از تکالیف سناریو محور، راهبردهای نوشتاری، چالش های روبه رو شده و برداشت آنان از تأثیر این نوع ارزیابی بر فرایند نوشتن بود.

گردآوری و تحلیل داده ها

در آغاز همه شرکت کنندگان در شرایط یکسان در پیش آزمون نوشتاری شرکت کردند. سپس گروه آزمایش به مدت هشت هفته و در هر هفته سه جلسه آموزشی (جمعاً ۲۴ جلسه) تحت آموزش سناریو محور قرار گرفت. این آموزش شامل تکالیف مقدماتی (برای هدایت یادگیرندگان در تعامل با منابع)، آموزش مستقیم خرده مهارت های نوشتاری و فعالیت های مشارکتی (برای کاوش موضوع، بررسی دیدگاه ها و ساخت استدلال) بود. در همین مدت، گروه کنترل آموزش رایج نگارش دانشگاه را دریافت کرد. پس از پایان دوره، هر دو گروه در پس آزمون موازی شرکت کردند. داده های کمی با نرم افزار SPSS تحلیل شدند. برای آزمون فرضیه های پژوهش از تحلیل کوواریانس^۱ بهره گرفته شد تا

اثر تفاوت‌های احتمالی در پیش‌آزمون کنترل شود. در بخش کیفی، مصاحبه‌ها ضبط، پیاده‌سازی و سپس با استفاده از تحلیل مضمون^۱ تحلیل شدند. در این فرایند کدگذاری باز و محوری انجام گرفت و مضامین اصلی مرتبط با تجربه زبان‌آموزان از ارزیابی سناریو محور استخراج شد.

نتایج

به‌منظور بررسی اثربخشی مداخله، ابتدا آزمون‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر دو گروه آزمایش و کنترل اجرا شد. در این بخش، نخست نتایج مربوط به نمرات کل پیش‌آزمون (مجموع سه بُعد: کیفیت زبان، انسجام، و ارتباط با موضوع) ارائه می‌گردد تا مقایسه اولیه سطح دو گروه پیش از مداخله مشخص شود. جدول ۱ شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات در هر گروه را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نمرات کل پیش‌آزمون (مجموع سه بُعد)

گروه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
آزمایش	۹,۲۰	۳,۳۶	۵	۱۶
کنترل	۹,۱۷	۳,۲۴	۵	۱۶

چنان‌که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات کل پیش‌آزمون در دو گروه تقریباً مشابه است (۹,۲۰ در گروه آزمایش و ۹,۱۷ در گروه کنترل)؛ این امر نشان می‌دهد که سطح اولیه توانایی نوشتاری دو گروه پیش از اجرای مداخله تقریباً هم‌تراز بوده است. به‌منظور مقایسه عملکرد کلی زبان‌آموزان در پس‌آزمون، نخست شاخص‌های توصیفی کل نمره‌های پس‌آزمون (مجموع سه بُعد کیفیت زبان، انسجام و ارتباط با موضوع) ارائه می‌شود. جدول ۲ میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات در هر گروه در پس‌آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی کل نمره‌ها پس‌آزمون

گروه	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
گروه آزمایش	۲۲,۷۷	۴,۴۹	۱۱	۲۸
گروه کنترل	۱۴,۱۷	۴,۴۱	۶	۲۶

چنان‌که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات کل گروه آزمایش به‌طور قابل‌توجهی بالاتر از گروه کنترل است. این تفاوت نشان می‌دهد که به‌کارگیری ارزیابی مبتنی بر سناریو توانسته است به بهبود مهارت نوشتاری زبان‌آموزان کمک کند؛ با این حال برای بررسی معناداری آماری این تفاوت، آزمون‌های استنباطی انجام شد. به‌منظور کنترل اثر پیش‌آزمون و مقایسه دقیق‌تر عملکرد دو گروه در پس‌آزمون، از تحلیل کوواریانس استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج آزمون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P
پیش آزمون	۱۷۴,۶۳	۱	۱۷۴,۶۳	۱۳,۵۸	۰۰۱ >
گروه	۱۱۹۲,۰۳	۱	۱۱۹۲,۰۳	۹۲,۶۹	۰۰۱ >
خطا	۷۳۳,۰۴	۵۷	۱۲,۸۶		
کل	—	۵۹			

با توجه به نتایج جدول ۳، اثر گروه بر نمرات پس آزمون بسیار معنادار است.

$$F=92,69, p<0,001$$

این نتایج بیانگر آن است که گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل به طور معناداری عملکرد بهتری در پس آزمون داشت. اثر پیش آزمون نیز معنادار است.

$$F=13,58, p=0,001$$

که نشان می دهد نمرات اولیه نقش قابل توجهی در عملکرد نهایی داشته اند. بنابراین پس از کنترل اثر پیش آزمون، تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده شد. این یافته به رد فرضیه صفر اول (عدم تفاوت بین دو گروه) می انجامد. اگرچه تحلیل پیشین نشان دهنده بهبود معنادار در مهارت نوشتاری کلی بود، اما این سؤال مطرح می شود که آیا این پیشرفت در همه جنبه های تشکیل دهنده نوشتار به یک اندازه رخ داده است یا خیر؟ به عبارت دیگر ممکن است مداخله انجام شده تأثیر بیشتری بر برخی مؤلفه های نوشتار داشته باشد. برای پاسخ به این پرسش و آزمون فرضیه دوم (بین دو گروه در زیرمهارت های کیفیت زبان، انسجام و ارتباط با موضوع تفاوت معناداری وجود ندارد) لازم است عملکرد زبان آموزان در هر یک از این سه بُعد به طور جداگانه بررسی شود. این تحلیل، افزون بر افزایش دقت در ارزیابی اثربخشی مداخله می تواند دیدگاه های ارزشمندی درباره نقاط قوت و احتمالی کاستی های رویکرد ارزشیابی مبتنی بر سناریو در اختیار مدرسان و برنامه ریزان آموزشی قرار دهد. در ادامه یافته های مربوط به هر یک از این زیرمهارت ها به صورت مجزا ارائه خواهد شد. جداول ۴ و ۵ شاخص های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره) پیش آزمون را برای هر یک از این ابعاد در دو گروه آزمایش و کنترل نشان می دهند.

جدول ۴: شاخص های آمار توصیفی نمرات پیش آزمون گروه کنترل در زیرمهارت های نوشتاری

بعد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
کیفیت زبان	۳,۶۰	۱,۵۰	۱	۷
انسجام	۲,۰۰	۱,۴۱	۱	۷
ارتباط با موضوع	۳,۵۷	۱,۹۸	۱	۸

جدول ۵: شاخص‌های آمار توصیفی نمرات پیش‌آزمون گروه آزمایش در زیرمهارت‌های نوشتاری

بعد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
کیفیت زبان	۳,۴۷	۱,۵۵	۱	۷
انسجام	۲,۱۰	۱,۵۵	۱	۷
ارتباط با موضوع	۳,۶۳	۱,۹۵	۱	۸

مقایسه اولیه داده‌های پیش‌آزمون (جداول ۴ و ۵) گویای همگنی اولیه دو گروه در کلیه زیرمهارت‌ها پیش از آغاز مداخله است. جداول ۶ و ۷ شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره) پیش‌آزمون را برای هر یک از این ابعاد در دو گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهند.

جدول ۶: شاخص‌های آمار توصیفی نمرات پس‌آزمون گروه کنترل در زیرمهارت‌های نوشتاری

بعد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
کیفیت زبان	۴,۷۷	۱,۶۸	۱	۹
انسجام	۴,۱۳	۱,۸۷	۱	۹
ارتباط با موضوع	۵,۲۷	۲,۰۴	۱	۱۰

جدول ۷: شاخص‌های آمار توصیفی نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در زیرمهارت‌های نوشتاری

بعد	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
کیفیت زبان	۷,۸۱	۱,۶۸	۳	۱۰
انسجام	۷,۱۸	۱,۸۵	۳	۱۰
ارتباط با موضوع	۷,۷۸	۱,۹۰	۳	۱۰

داده‌های پس‌آزمون (جداول ۶ و ۷) نشان می‌دهند که میانگین نمرات گروه آزمایش در تمامی زیرمهارت‌ها افزایش چشمگیری یافته است؛ در مقابل بهبود مشاهده شده در گروه کنترل بسیار محدودتر است. این تفاوت بارز، به‌ویژه در مؤلفه‌های «انسجام» و «کیفیت زبان» مشهود است. در ادامه برای بررسی معناداری آماری تفاوت‌های مشاهده شده در هر یک از زیرمهارت‌ها، آزمون‌های استنباطی متناسب انجام شد. این آزمون‌ها به‌منظور تعیین میزان تأثیر مداخله بر هر بُعد به‌صورت جداگانه انجام شده‌اند. جدول ۸ نتایج آزمون کوواریانس برای مقایسه نمرات کیفیت زبان در دو گروه آزمایش و کنترل را نشان می‌دهد. در این تحلیل، نمرات پیش‌آزمون به‌عنوان کوواریانس وارد مدل شده‌اند تا اثرهای اولیه زبان‌آموزان کنترل شود و مقایسه‌ای دقیق‌تر از عملکرد گروه‌ها در پس‌آزمون به دست آید.

جدول ۸: نتایج آزمون کوواریانس برای کیفیت زبان

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	p
پیش آزمون	۳۲,۲۰	۱	۳۲,۲۰	۱۰,۰۹	۰۰۱.>
گروه	۱۷۷,۶۹	۱	۱۷۷,۶۹	۵۵,۶۶	۰۰۱.>
خطا	۱۸۱,۹۶	۵۷	۳,۱۹		

همان گونه که از جدول ۸ مشاهده می شود، اثر پیش آزمون بر نمرات کیفیت زبان معنادار بود،

$$F(۱۰,۰۹ = (۱,۵۷, p = .۰۰۲$$

مهم تر از آن، اثر گروه نیز به طور معناداری مشاهده شد،

$$F(۵۵,۶۶ = (۱,۵۷, p < .۰۰۱$$

بدین معنا گروه آزمایش که با ارزیابی مبتنی بر سناریو آموزش دیده بود در مقایسه با گروه کنترل بهبود چشمگیری در کیفیت زبان نوشتاری خود نشان داد. این یافته تأییدی بر تأثیر مثبت مداخله پژوهش حاضر در ارتقای کیفیت زبان نوشتاری فارسی آموزان غیرفارسی زبان است. جدول ۹ نتایج آزمون کوواریانس برای مقایسه نمرات انسجام نوشتاری در دو گروه آزمایش و کنترل را نشان می دهد. در این تحلیل نیز نمرات پیش آزمون به عنوان کوواریانس در نظر گرفته شده اند تا اثرهای اولیه زبان آموزان کنترل و مقایسه دقیق تری از عملکرد گروه ها در پس آزمون حاصل شود.

جدول ۹: نتایج آزمون کوواریانس برای انسجام

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	p
پیش آزمون	۰,۰۸	۱	۰,۰۸	۰,۰۲	۰۰۱.>
گروه	۱۳۸,۰۷	۱	۱۳۸,۰۷	۳۶,۳۱	۰۰۱.>
خطا	۲۱۶,۷۶	۵۷	۳,۸۰		

همان طور که مشاهده می شود، اثر پیش آزمون بر انسجام نوشتاری معنادار نبود،

$$F(۰,۰۲ = (۱,۵۷, p < .۰۰۱$$

این امر نشان می دهد که نمرات اولیه نقش قابل توجهی در پیش بینی انسجام نوشتاری پس آزمون نداشته اند؛ در مقابل اثر گروه به طور معناداری مشاهده شد،

$$F(۳۶,۳۱ = (۱,۵۷, p < .۰۰۱$$

که بیانگر آن است زبان آموزان گروه آزمایش که در وظایف مبتنی بر سناریو مشارکت داشتند، انسجام نوشتاری به مراتب بهتری نسبت به گروه کنترل نشان دادند. این یافته گویای کارآمدی مداخله در ارتقای انسجام نوشتاری است. جدول ۱۰ نتایج آزمون کوواریانس برای مقایسه عملکرد دو گروه در زیرمهارت «ارتباط با موضوع» را نشان می دهد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون کوواریانس برای ارتباط با موضوع

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	p
پیش‌آزمون	۴۲,۰۵	۱	۴۲,۰۵	۱۰,۶۹	۰۰۱۰ >
گروه	۹۱,۷۶	۱	۹۱,۷۶	۲۳,۳۳	۰۰۱۰ >
خطا	۲۲۴,۲۲	۵۷	۳,۹۳		

چنان‌که داده‌ها نشان می‌دهند اثر پیش‌آزمون بر ارتباط با موضوع معنادار بوده است،

$$F(1, 57, p = .002) = (10, 69)$$

به این معنا که نمرات اولیه تا حدی در پیش‌بینی نتایج پس‌آزمون مؤثر بوده‌اند؛ با این حال اثر گروه نیز به‌طور معناداری مشاهده شد،

$$F(23, 33, p < .001) = (1, 57)$$

که نشان می‌دهد زبان‌آموزان گروه آزمایش پس از شرکت در ارزیابی‌های مبتنی بر سناریو در مقایسه با گروه کنترل، پیشرفت قابل توجهی در حفظ و گسترش ارتباط با موضوع در نوشتار خود داشته‌اند. این یافته مؤید اثربخشی مداخله در ارتقای این بعد از نوشتار است.

به‌طور کلی نتایج حاصل از تحلیل کوواریانس بر سه زیرمهارت نوشتاری نشان داد که میانگین نمرات گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل در هر سه بعد کیفیت زبان، انسجام و ارتباط با موضوع به‌طور معناداری بالاتر بوده است؛ به بیان دیگر زبان‌آموزانی که در معرض ارزشیابی مبتنی بر سناریو قرار گرفتند، توانستند متونی با کیفیت زبانی بهتر تولید کنند، انسجام بیشتری در نوشته‌های خود ایجاد نمایند و ارتباط روشن‌تر و دقیق‌تری با موضوع برقرار سازند. این یافته‌ها به‌طور مستقیم به بررسی فرضیه صفر دوم مرتبط است که بیان می‌کند میان عملکرد نوشتاری زبان‌آموزان غیرفارسی‌زبان در این سه زیرمهارت در شرایط ارزشیابی مبتنی بر سناریو و شرایط سنتی تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، این فرضیه رد می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که به‌کارگیری رویکرد سناریومحور در سنجش نوشتار تأثیر مثبت و چشمگیری بر بهبود عملکرد زبان‌آموزان در تمامی ابعاد نوشتاری داشته است.

نتایج کیفی

نتایج کیفی حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با زبان‌آموزان گروه آزمایش نشان داد که بیشتر فارسی‌آموزان، ارزشیابی مبتنی بر سناریو را تجربه‌ای اثربخش‌تر و جذاب‌تر نسبت به شیوه سنتی آموزش و ارزشیابی مهارت نوشتن دانستند. تحلیل داده‌ها براساس تحلیل مضمونی سه محور اصلی را آشکار ساخت: ۱. افزایش انگیزه و درگیری ذهنی؛ ۲. بهبود فرایند یادگیری و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی؛ ۳. ادراک از ارتباط با موقعیت‌های واقعی زندگی. نخست در بُعد انگیزشی و درگیری

ذهنی، بیشتر زبان‌آموزان اشاره داشتند که فعالیت‌های سناریومحور برخلاف آزمون‌های سنتی، خشک و تکراری نبود و سبب می‌شد آنها با علاقه بیشتری در فرایند نوشتن مشارکت کنند. به گفته یکی از زبان‌آموزان: «وقتی موضوع به شکل داستان یا موقعیت واقعی بود، حس می‌کردم که واقعاً درگیر یک مسئله واقعی شده‌ام و باید بهترین راه‌حل را پیدا کنم، نه اینکه فقط برای گرفتن نمره چیزی بنویسم». این تجربه نشان می‌دهد که فعالیت‌های سناریومحور نه تنها بر کیفیت نوشتار اثر گذاشته، بلکه به شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به نوشتن نیز کمک کرده است. دوم، در زمینه بهبود فرایند یادگیری و تفکر انتقادی، مصاحبه‌شوندگان بر این نکته تأکید داشتند که تکالیف مرحله‌ای و داریستی در رویکرد سناریومحور موجب شد تا آنها مهارت‌های مختلفی همچون برنامه‌ریزی، خلاصه‌نویسی، استخراج ایده‌های اصلی و بازنگری متن خود را تمرین کنند؛ درحالی‌که در روش سنتی تمرکز صرفاً بر تحویل یک متن نهایی بود، سناریوها فرصت بازاندیشی و اصلاح را فراهم می‌کردند. یکی از شرکت‌کنندگان توضیح داد: «وقتی قبل از نوشتن نهایی مجبور بودیم متون کوتاه بخوانیم و خلاصه کنیم، ذهن ما برای نوشتن آماده می‌شد. این روش به من کمک کرد نوشته‌ام ساختار بهتری داشته باشد». سوم، مضمون ارتباط با موقعیت‌های واقعی نیز بارها در گفته‌های زبان‌آموزان مشاهده شد. بسیاری از آنها خاطر نشان کردند که نوشتن در چارچوب یک سناریوی واقعی مانند نوشتن یک نامه رسمی، پاسخ به یک مشکل اجتماعی یا نوشتن یک متن استدلالی درباره یک مسئله روز سبب شد احساس کنند مهارت نوشتن برای آنها کاربرد عملی یافته است. به بیان یکی از مصاحبه‌شوندگان: «در روش قدیمی فقط باید موضوعات کلی و گاهی بی‌ربط را می‌نوشتیم، اما در این روش سناریوها به زندگی ما نزدیک‌تر بود و به من نشان داد که نوشتن می‌تواند واقعاً در دنیای بیرون به کار بیاید».

به‌طورکلی داده‌های کیفی نشان می‌دهد که زبان‌آموزان، رویکرد سناریومحور را به‌عنوان یک روش معنادارتر، تعاملی‌تر و کارآمدتر نسبت به ارزشیابی سنتی می‌دانند؛ درحالی‌که روش سنتی بیشتر بر محصول نهایی متمرکز است، رویکرد سناریومحور برای زبان‌آموزان فرصتی فراهم کرده تا در فرایند یادگیری فعالانه مشارکت کنند، انگیزه بیشتری بیابند و مهارت‌های استدلال و انسجام نوشتاری خود را تقویت کنند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه زیسته زبان‌آموزان با داده‌های کمی نیز هم‌راستا است و تأکید دارد که ارزیابی مبتنی بر سناریو می‌تواند در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، جایگزین مؤثرتری برای الگوهای سنتی آموزش و سنجش نوشتار باشد.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان داد که به‌کارگیری ارزشیابی مبتنی بر سناریو تأثیری چشمگیر بر بهبود توانایی نوشتاری فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان داشته است. نتایج کمی بیانگر آن بود که گروه آزمایش نه تنها در نمره کلی نوشتار، بلکه در هر سه زیرمهارت اصلی - کیفیت زبان، انسجام و ارتباط با موضوع - عملکرد معنادار بهتری نسبت به گروه کنترل داشت. این یافته‌ها با نتایج کیفی مصاحبه‌ها تقویت

شد؛ آنجا که زبان‌آموزان تجربه خود از این رویکرد را اثربخش‌تر، جذاب‌تر و مرتبط‌تر با زندگی واقعی دانستند؛ بدین ترتیب داده‌ها به‌روشنی دو فرضیه نخست پژوهش را رد کردند و نشان دادند که ارزشیابی سناریو محور در قیاس با شیوه سنتی توانسته است فرایند و محصول نوشتن را ارتقا بخشد. این نتایج را می‌توان با چارچوب نظری شناخت موقعیتی و ارزیابی معتبر تبیین کرد. براساس این نظریه‌ها، یادگیری و سنجش زمانی معنادار می‌شود که در بستر موقعیت‌های واقعی و کاربردی صورت گیرد. سناریوها با ایجاد زمینه‌های اصیل و نزدیک به زندگی فرصت می‌دهند تا زبان‌آموزان دانش زبانی و شناختی خود را در موقعیت‌های هدفمند به کار گیرند. داده‌های کیفی نیز نشان داد که چنین موقعیت‌هایی انگیزه و درگیری ذهنی بیشتری ایجاد می‌کنند؛ این امر با یافته‌های دین و همکاران (۲۰۲۱) و نیز بنت (۲۰۱۶) همسو می‌باشد که تأکید داشتند وظایف سناریو محور مشارکت یادگیرندگان را افزایش می‌دهند.

در مقایسه با مطالعات پیشین، یافته‌های حاضر چند نکته برجسته را روشن می‌سازد. نخست، هم‌راستا با نتایج گوئو و همکاران (۲۰۲۰) و ژو، ژانگ و دین (۲۰۱۹) مشاهده شد که طراحی مبتنی بر سناریو توانسته است فرایند نوشتن را تغییر دهد؛ به‌ویژه با افزایش فرصت برای بازنگری و سازمان‌دهی بهتر متن. دوم، مشابه با نتایج بانرجی (۲۰۱۹)، مصاحبه‌شوندگان نیز اشاره داشتند که سطح زبانی بر میزان بهره‌مندی از سناریوها مؤثر است؛ هرچند در پژوهش حاضر به دلیل انتخاب زبان‌آموزان در سطح متوسط به بالا، این تفاوت کمتر برجسته شد. سوم، یافته‌های کمی این پژوهش با نتایج بنت و همکاران (۲۰۱۶) همخوان است که نشان داده بودند تکالیف مقدماتی در سناریو می‌تواند اثر موضوع را کاهش دهند و توانایی واقعی نوشتاری را آشکارتر سازند؛ همچنین مقایسه با پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه فارسی نشان می‌دهد که این مطالعه گامی تازه در پرکردن خلأ موجود بوده است. پژوهش‌هایی همچون گلپور (۲۰۱۹)، جلیلی (۲۰۱۷) و رودم‌عجینی و همکاران (۲۰۲۰) عمدتاً بر آزمون‌های محصول محور متمرکز بوده و توانایی‌های پیچیده نوشتاری را به‌طور کامل منعکس نکرده‌اند. یافته‌های حاضر نشان داد که وقتی به‌جای یک متن نهایی منفرد، فرایند نوشتن در قالب وظایف متوالی و هدفمند سنجیده شود، نه تنها کیفیت زبان و انسجام افزایش می‌یابد بلکه ارتباط با موضوع نیز روشن‌تر و دقیق‌تر برقرار خواهد شد؛ این امر بیانگر آن است که رویکردهای سنتی نمی‌توانند به‌تنهایی ظرفیت‌های نوشتاری زبان‌آموزان فارسی را آشکار کنند.

در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان داد که ارزشیابی مبتنی بر سناریو نسبت به رویکردهای سنتی، بهبود معناداری در مهارت نوشتاری فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبان ایجاد می‌کند. در سطح کمی، نتایج تحلیل کوواریانس آشکار ساخت که گروه آزمایش در تمامی شاخص‌ها — از جمله نمره کلی نوشتار و سه زیرمهارت کیفیت زبان، انسجام و ارتباط با موضوع — به‌طور معناداری عملکرد بالاتری نسبت به گروه کنترل داشت. در سطح کیفی نیز زبان‌آموزان تجربه خود را به‌مراتب اثربخش‌تر، جذاب‌تر و مرتبط‌تر با زندگی واقعی توصیف کردند؛ چنین شواهدی نشان می‌دهد که دستاوردهای این رویکرد صرفاً محدود به افزایش نمره نبوده، بلکه در فرایندهای نوشتن و نگرش یادگیرندگان نیز بازتاب یافته

است. تبیین این یافته را می‌توان در چارچوب این اصل قرار داد که یادگیری زمانی پایدار و مؤثر است که در بستر موقعیت‌های معنادار شکل گیرد. سناریوها با شبیه‌سازی موقعیت‌های واقعی، زبان‌آموزان را به کاربرد اصیل‌تر زبان وامی‌دارند و بدین‌ترتیب سطح بالاتری از شایستگی زبانی و گفتمانی را فعال می‌سازند. این توجیه با نظریه‌های «شناخت موقعیتی» و «ارزیابی معتبر» همسوست که یادگیری را نتیجه تعامل فعال با بافت‌های واقعی و حل مسئله می‌داند؛ بنابراین داده‌های این پژوهش با مبانی نظری گسترده‌ای پیوند دارد و تأیید می‌کند که تکالیف سناریو محور ظرفیت آشکارسازی و ارتقای توانایی نوشتاری را دارا هستند. پشتیبانی این ادعا در ادبیات پیشین نیز قابل مشاهده است. مطالعات بین‌المللی (بنت، ۲۰۱۱؛ ژانگ و دین، ۲۰۱۵؛ جو و همکاران، ۲۰۲۳) بارها نشان داده‌اند که رویکرد سناریو محور نسبت به آزمون‌های سنتی تصویری جامع‌تر و معتبرتر از توانایی‌های نوشتاری فراهم می‌آورد؛ به‌ویژه یافته‌های جو و همکاران (۲۰۲۳) تأکید کرده‌اند که چنین رویکردی به شکاف میان یادگیری کلاسی و کاربرد واقعی زبان پل می‌زند. نتایج پژوهش حاضر، این شواهد را در بافت آموزش زبان فارسی تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که اصولی که در محیط‌های انگلیسی‌زبان موفقیت‌آمیز بوده‌اند، در زبان فارسی نیز قابل اجرا و اثربخش هستند. البته برخی پژوهش‌ها نسبت به احتمال افزایش مصنوعی نمرات در آزمون‌های سناریو محور هشدار داده‌اند (ژانگ، ۲۰۱۹). این نگرانی مطرح می‌شود که داربست‌ها و تکالیف مقدماتی ممکن است موجب شود زبان‌آموزان فراتر از توان واقعی خود ظاهر شوند؛ با این حال یافته‌های حاضر نشان داد که ارتقای نمرات با تغییر واقعی در فرایند نگارش همراه بوده است. زبان‌آموزان به‌روشنی اعلام کردند که توانسته‌اند راهبردهای جدیدی در برنامه‌ریزی، خلاصه‌نویسی و بازنگری بیاموزند و انسجام بیشتری در نوشتار ایجاد کنند؛ بنابراین بهبود مشاهده‌شده بازتابی از رشد واقعی مهارت‌های نوشتاری است، نه صرفاً نتیجه ساختار آزمون. به‌طور خلاصه، نتایج این تحقیق ادعای کلیدی آن را تقویت می‌کند که ارزشیابی مبتنی بر سناریو نه تنها ابزار سنجشی معتبرتر از روش‌های سنتی است، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک راهبرد آموزشی تحول‌آفرین به کار گرفته شود. این یافته‌ها با ادبیات جهانی همخوانی دارد، اما به‌خلاف پژوهشی موجود در حوزه آموزش زبان فارسی پاسخ می‌دهد و چشم‌اندازی نوین برای توسعه روش‌های نوشتار محور در این حوزه را فراهم می‌آورد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش به‌روشنی نشان داد که به‌کارگیری ارزشیابی مبتنی بر سناریو در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان می‌تواند به ارتقای همه‌جانبه مهارت نوشتاری کمک کند. زبان‌آموزانی که در چارچوب وظایف سناریو محور آموزش دیده بودند، توانستند متونی با کیفیت زبانی بالاتر، انسجام منطقی‌تر و ارتباط روشن‌تر با موضوع تولید کنند. این بهبود در داده‌های کیفی نیز بازتاب یافت، آنجا که زبان‌آموزان تجربه خود را معنادارتر، جذاب‌تر و مرتبط‌تر با زندگی واقعی دانستند؛ بدین‌ترتیب پژوهش حاضر نشان داد ارزشیابی سناریو محور می‌تواند جایگزینی کارآمدتر از الگوهای سنتی در

سنجش نوشتار فارسی‌آموزان باشد. یافته‌های این پژوهش با نظریه‌های شناخت موقعیتی، ارزیابی معتبر و نظریه حوزه شناختی همسو بود و نشان داد که شبیه‌سازی موقعیت‌های واقعی در فرایند نوشتن می‌تواند شایستگی‌های زبانی و استدلالی را به‌طور دقیق‌تر آشکار سازد؛ افزون بر این، کاربرد این رویکرد در زبان فارسی — زبانی که کمتر در ادبیات پژوهش جهانی بررسی شده است — نشان می‌دهد اصول ارزیابی مبتنی بر سناریو قابلیت تعمیم به زبان‌های گوناگون را دارند، هرچند باید با ویژگی‌های زبان مقصد سازگار شوند.

نتایج بیانگر ضرورت بازنگری در شیوه‌های متداول تدریس و ارزشیابی نوشتار فارسی است. مدرسان می‌توانند با طراحی سناریوهای متناسب با فرهنگ و نیازهای فارسی‌آموزان، انگیزه یادگیری را افزایش دهند و فرصت‌های بیشتری برای تمرین راهبردهای شناختی و فراشناختی فراهم کنند؛ همچنین استفاده از این رویکرد می‌تواند به بهبود تعامل در کلاس و افزایش خودتنظیمی زبان‌آموزان کمک کند. نخستین محدودیت این پژوهش به محدود بودن نمونه به یک دانشگاه بازمی‌گردد که موجب کاهش تعمیم‌پذیری نتایج به دیگر دانشگاه‌ها و بافت‌های دیگر می‌شود. دوم، سطح زبانی شرکت‌کنندگان در حد متوسط به بالا بود و بنابراین نمی‌توان نتایج را به سطوح مقدماتی تعمیم داد. سوم، مدت‌زمان مداخله هشت‌هفته‌ای بود که برای بررسی اثرهای پایدار در بلندمدت کافی نیست. مطالعات آتی می‌توانند با حجم نمونه بزرگ‌تر و در بافت‌های آموزشی متنوع‌تری انجام شوند؛ همچنین بررسی اثربخشی این رویکرد در سطوح مقدماتی و پیشرفته زبان فارسی می‌تواند به درک بهتر تفاوت‌های سطحی کمک کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند از ابزارهای فناورانه (مانند ثبت دیجیتال فرایند نوشتن) بهره‌گیرند تا درک دقیق‌تری از نحوه اثرگذاری سناریوها بر فرایندهای شناختی فراهم شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود پژوهشگران به طراحی و اعتبارسنجی سناریوهای بومی‌شده براساس موضوعات فرهنگی و اجتماعی زبان‌آموزان فارسی‌پروازند.

منابع

- الداغی، آیتا. (۱۳۹۳). «نظریه آزمون و ارزشیابی در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان». نخستین همایش آموزش زبان فارسی، تهران: دانشگاه پیام‌نور.
- ابوالحسنی چیمه، زهرا. (۱۳۹۳). «تعامل تلفظ و نگارش: ارتباط بین مشکلات تلفظی و خطاهای نگارشی فارسی‌آموزان غیرفارسی‌زبانان». جستارهای زبانی. دوره دوم. شماره ۱۸. صص: ۱-۳۰.
- استاجی، معصومه؛ اسلامی، فرانک. (۱۴۰۱). «بررسی کاربرد و ارزش راهبردهای ارزشیابی تکوینی از منظر مدرسان زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان در کلاس‌های چندفرهنگی». پژوهش‌های مرتبط با زبان. سال سیزدهم. شماره ۴. صص: ۱۱۹-۷۳.

- جلیلی، اکبر. (۱۳۹۶). «ارزیابی تولیدات نوشتاری فارسی آموزان سطح پیشرفته: طراحی یک چارچوب جزئی نگر». پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. دوره ششم. شماره ۱. صص: ۵۶-۲۹.

- حسین پور بوئانلو، هدی؛ قبول، احسان. (۱۳۹۹). «ارزیابی متون ادبی مجموعه‌های منتخب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان بر پایه رویکردی تلفیقی». پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. دوره نهم. شماره ۲. صص: ۲۳۳-۲۰۳.

- رودمعجنی، محسن؛ قبول، احسان؛ قنسولی، بهزاد. (۱۳۹۹). «اعتبار سازه معیار نمره‌دهی مهارت نوشتن در آزمون جامع فارسی دانشگاه فردوسی». پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. دوره نهم. شماره ۱. صص: ۴۶-۲۵.

- گلیپور، لیلا. (۱۳۹۸). «طراحی آزمون مهارت نوشتاری ویژه غیرفارسی‌زبانان: راهکارها و تحلیل خطاها». پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. دوره هشتم. شماره ۱. صص: ۶۴-۴۱.

- نعمتی، محبوبه. (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر روش یاددهی-یادگیری معکوس بر پیشرفت مهارت خواندن و نوشتن فارسی آموزان غیرفارسی‌زبان». پژوهشنامه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. دوره هفتم. شماره ۲. صص: ۲۶۶-۲۵۱.

- Anani Sarab, M. R., & Rahmani, S. (2023). Development and validation of a scenario-based teacher language assessment literacy test. *International Journal of Language Testing*, 13 (103-67)1.

- Banerjee, H. L. (2019). Investigating the construct validity of topical knowledge in a scenario-based assessment designed to simulate real-life second language use. Unpublished doctoral dissertation. Teachers College. New York, NY: Columbia University. <https://doi.org/10.7916/d-8r7t-4pe7>

- Bardach, L., Klassen, R. M., Durksen, T. L., Rushby, J. V., Bostwick, K. C. & Sheridan, L. (2021). The power of feedback and reflection: Testing an online scenario-based learning intervention for student teachers. *Computers & Education*, 169 104194.

- Bennett, R. E. (2010). Cognitively based assessment of, for, and as learning (CBAL): A preliminary theory of action for summative and formative assessment. *Measurement: Interdisciplinary Research and Perspectives*, 91-70 (3-2)8. <https://doi.org/15366367.2010.508686/10.1080>

- Cho, Y., Rijmen, F. & Novák, J. (2021). Scenario-based assessment of academic writing: Validity evidence from structural equation modeling. *Assessing Writing*, 48 100520. <https://doi.org/10.1016/j.asw.2021.100520>.

- Clark, R. (2009). Accelerating expertise with scenario-based learning. *T+D*, 85-84 (1)63.

- Coll, C., Mauri, T. y Onrubia J. (2008). La utilización de las tecnologías de la información y la comunicación en la educación: Del diseño tecno-pedagógico a las prácticas de uso. En Coll, C. y Alberto Dafonte-Gómez, Jesús Pérez-Seoane, Diana Ramahí-García 5 Monereo, C. (Ed.) *Psicología de la educación virtual* (64-47).

Morata.

- Creswell, J. W. (2014). *Research design: Qualitative, quantitative and mixed methods approaches* (4th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Deane, P. (2013). On the relation between automated essay scoring and modern views of the writing construct. *Assessing Writing*, 24–7 ,(1)18. <https://doi.org/10.1016/j.asw.2012.10.002>
- Deane, P. & Song, Y. (2015). *The key practice, discuss and debate ideas: Conceptual framework, literature review and provisional learning progressions for argumentation* (Research Report No. RR33-15-). Princeton, NJ: Educational Testing Service.
- Deane, P., Wilson, J., Zhang, M., Li, C., van Rijn, P., Guo, H., Roth, A., Winchester, E. & Richter, T. (2021). The sensitivity of a scenario-based assessment of written argumentation to school differences in curriculum and instruction. *International Journal of Artificial Intelligence in Education*, 98–57 ,(1)31. <https://doi.org/10.1007/s-00227-020-40593x>.
- Earl, L. & Katz, S. (2006). *Rethinking Classroom Assessment with Purpose in Mind*. Western, Northern Canadian Protocol.
- Guo, H., Zhang, M., Deane, P. & Bennett, R. E. (2020). Effects of scenario-based assessment on students' writing processes. *Journal of Educational Data Mining*, ,(3)12 29–1. <https://jedm.educationdatamining.org/index.php/JEDM/article/view/398>
- Joo, S. H., Seong, Y., Suh, J., Jung, J. & Purpura, J. E. (2023). Assessing Korean writing ability through a scenario-based assessment approach. *Assessing Writing*, 58 100766.
- Kunnan, A. J., Qin, C. Y. & Zhao, C. G. (2022). Developing a scenario-based English language assessment in an Asian university. *Language Assessment Quarterly*, 393-368 ,(4)19.
- Saeedian, S. & Ghaderi, A., (2023). Scenario-based classroom context mode: Reshaping Non-native teachers' decision-making and pedagogical reasoning. *Asian-Pacific Journal of Second and Foreign Language Education*, 19-1 ,(36)8.
- Sheehan, K. M., Kostin, I., Napolitano, D. & Flor, M. (2014). The Text Evaluator tool: Helping teachers and test developers select texts for use in instruction and assessment. *The Elementary School Journal*, 209–184 ,(2)115.
- Wang, Z., Sabatini, J., O'Reilly, T. & Feng, G. (2017). How individual differences interact with task demands in text processing. *Scientific Studies of Reading*, ,(2)21 178–165.
- Yi, J. (2009). Defining writing ability for classroom writing assessment. *The Asia-Pacific Education Researcher*, 225-213 ,(2)18.
- Zhang, M., van Rijn, P. W., Deane, P. & Bennett, R. E. (2019). Scenario-based assessments in writing: An experimental study. *Educational Assessment*, 26–1 ,(1)24. <https://doi.org/10627197.2018.1545580/10.1080>
- Zhu, M., Zhang, M. & Deane, P. (2019). Analyzing writing processes using keystroke logs: Insights into second language writing. *Language Testing*, –219 ,(2)36 241. <https://doi.org/0265532218787922/10.1177>.

